

## زبان دری یا فارسی یا تاجیکی

مقاله ایست که درباره همبستگی زبان و ادبیات فارسی و تاجیک در تاشکند بخواهدش روزنامه تاجیکی حقیقت از بکستان برای آن روزنامه نوشته شده است .

ازمن خواسته بودید که برای برداران تاجیکی مطلبی پیرامون همبستگی زبان و ادبیات فارسی و تاجیک بنویسم. زبان شناسان ایران و هند زبان فارسی باستان و سانسکریت را دو خواهر میدانند که از یک مادر باشند و زبانهای روستائی ایرانی و پالی هند بمنزله دونا خواهری آنها هستند و زبان پهلوی و دری و فارسی مانند دختران آنها که همه از یک خانواده باشند (۱) .

دراینکه زبان دری از زبان پهلوی اشکانی یا ساسانی گرفته شده یا از آغاز زبان ولهجه جداگانه ای بود و از آن زبانها ریشه ها و واژه هایی گرفته باشد اختلاف است. در میان متنهای عربی و کتبهای فارسی کهن آنچه از این زبان نقل شده از هجده قرن پیش پیشینه زبان دری دیده میشود . چنانکه در دربار ساسانی زبان دری یکی از سه زبانی بوده است که رواج داشته (۲) .

۱- چون واژه زبان بزبان فرانسه مؤنث است ازین رو آنها را درانتساب مادر و دختر و خواهر خوانده اند و این یکی از عیبهای زبان فرانسه و دیگر زبانها چون آلمانی و روسی و عربی است که مؤنث و مذکر و خنثی دارد و حرف تعریف و تصریف بسیار .

۲- علی بن حسین مسعودی در التنبیه والاشراف و ابن ندیم در الفهرست و مقدسی در احسن التماسیم گفته اند سه زبان در دربار ساسانی رایج بود.

درباره اختلاف زبان دری با فارسی امروزی برخی از شعرانویسندگان آنها را مرادف گرفته‌اند و برخی دیگر میان آنها تفاوت قائل شده‌اند. عنصری در گفتاری زبان دری را زبان مردم بلخ میدانند و غالباً نوشته‌اند که این زبان از نخست در خراسان و ورارود پدید آمده. آنچه شایان توجه است هنوز زرتشتیان یزد بزبان خود دری میگویند. ناصر خسرو بزبان شعر خویش زبان دری گفته است (۱) در داراب نامه طرسوسی نیز چنین یاد شده است.

واژه دری که بزبان عرب رفته بصورت بیدری (۲) معرب گشته بمعنی سخن درست و استوار بکار رفته بهمان معنی که شاعران ما بکار برده‌اند ازینرو عقیده من آنست که دری زبان درست و ادبی فارسی زبانان یازبانهای ایرانی بوده در صورتیکه زبان فارسی بزبانهای شکسته محاوره هم گفته میشود.

زبان تاجیکی با زبان فارسی نیز همین اندازه قابل اشتباه است چنانکه در کتابهای لغت گذشته تاجیک را بمعنی فارسی و غالباً تات و تاجیک و فارسی را در برابر ترک و تازی بکار برده‌اند (۳) چنانکه تا پیش از دوران اتفاق سویتی بزبان تاجیکی فارسی گفته‌اند.

صدرالدین عینی شاعر بزرگ فارسی زبان نوشته است:

«اثر دیگری که در سال ۱۹۱۲ بزبان فارسی بمیدان قدم نهاد روزنامه بخارای شریف بود، درباره این روزنامه نوشته است: «روزنامه باید نفعش عام فایده اش تمام باشد ما باید مناسب حال مردم سخن گوئیم صلاح امر عمومی را

۱ - من آنم که در پای خوکان نریزم مرین قیمتی در نظم دری را

۲ - قاموس فیروز آبادی نوشته «لسان بیدری که خوزلی مستویه»

۳ - دیوان العات الترك محمود کاشغری (لغت ترکی عربی) زیر کلمه تاجیک و تازی و تازیک دیده شود که بهر سه صورت نوشته فارسی معنی میدهد. تات و تاز نیز یک کلمه است و از یک ریشه چنانکه تاش و چاچ که معرب آن شاش است و شهر تاشکند چاچکنت بوده و چاچ آن بنام و در شاهنامه فردوسی نیز بارها آمده.

۴ - کتاب نمونه ادبیات تاجیک صفحه ۵۵۱ نوشته صدرالدین عینی

چاپ سمرقند سال ۱۹۲۵

در نظر داشته باشیم لهذا روزنامه، هر چه ممکن باشد بزبان پارسی ساده نوشته شود.»

و درباره مجله آئینه در همین کتاب نوشته است:

«این مجموعه در زبان ترکی و فارسی وزیر مسئولیت و تحریر محدود خواجه بهبودی سمرقندی در سمرقند طبع می یافت ازین گذشته همین شاعر نامدار در کتاب دیگر درباره اختلاف فارسی و تاجیک چنین مینویسد:

«در میان آنها فرق اساسی نیست درست اگر ما لهجه های محلی را در نظر گرفته و زبان را بگروه ها جدا کنیم نه اینکه در بین ایران و آسیای میانه در بین خود اسالی تاجیکستان و ازبکستان هم خیلی لهجه های جداگانه یافت میشود لیکن درد نیا هیچ قومی نیست که جداگانه جزئی لهجه های محلی را در نظر گرفته برای هر لهجه یک زبان جداگانه ساخته و بر آورده باشد یک تاجیک یا یک ایرانی اثرهای سعدی حافظ نظامی و مانند اینها را چقدر فهمیده و دوست داشته میخواند همانقدر هم اثرهای رودکی کمال خجندی عصمت و بخاری و سیف اسفرنکی و مانند اینها را فهمیده دوست داشته میخواند. یک تاجیک برای فهمیدن بعضی لغت ها از فرس قدیم گرفته شده «فردوسی بچه انداز» بدشواری افتد یک ایرانی هم برای فهمیدن آنها همانقدر دشواری میکشد.

اکنون شکی نیست که این اختلاف دولهجه برای یک زبانست و هرگز میان فارسی و تاجیکی و لهجه های دیگر اختلافی نیست.» (۱)

بطور خلاصه صدرالدین عینی شاعر و نویسنده نامدار تاجیک در آثار و نوشته های خود همه جا زبان فارسی را زبان ادبی عمومی خلق های ایرانی دانسته است.

شاعر جوان و معاصر تاجیک مؤمن قناعت در یک قطعه ادبی شیرین چنین

میگوید:

قند جوئی پند جوئی ای جناب هر چه میجوئی بجو

هر چه میجوئی بجو	بی کران بحر است گوهر بی حساب
هر چه میگوئی بگو	فارسی گوئی دری گوئی ورا
هر چه میگوئی بگو	لفظ شعر و دلبری گوئی ورا
همچو شیر مادر است	بهر من تنها زبان مسادر است

اما درباره زبان فارسی وارد و که این اختلاف بیشتر است تا میان فارسی و تاجیکی اگر زبان پشتورا بتواند یک لهجه زبانهای ایرانی دانست اردو را باید زبانی جدا گانه دانست که از فارسی بسیار متأثر است بهتر است عقاید شاعران هند و پاکستان را در این جا بیان نمائیم. اقبال لاهوری شاعر بزرگ پاکستان گوید:

چون چراغ لاله سوزم در بیابان شما ای جوانان عجم جان من و جان شما  
 غوطه ها زد در ضمیر زندگی اندیشه ام تا بدست آورده ام افکار پنهان شما  
 فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق پاره لعلی که دارم از بدخشان شما  
 این بدخشان همان سرزمینی است که بخشی از آن در تاجیکستان و بخشی  
 در افغانستان و سنائی گفته است:

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندرین

و این زبان دری و فارسی همان لعلی است که سالها در بدخشان و زرافشان

و سغد و باختر و خراسان پرورش یافته است و همانست که حافظ گوید پس از پرورش

در بدخشان و فارس به هندوستان رفته است:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله میرود

اسدالله غالب شاعر نامدار میگوید:

فارسی بین تا ببینی نقشهای رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ منست

و جای دیگر میگوید:

غالب ز هند نیست نوائی که میکشم

گوئی ز اصفهان و هرات و قمیم ما

درینصورت درزمینه ادب میان لاهور ودهلی وکابل وهرات و اصفهان و شیراز و سمرقند و بخارا و دوشنبه و تهران و تبریز اختلافی نیست و بگفته حافظ عراق و فارس گرفتی بشعر خوش حافظ

بیا که نوبت بغداد و وقت تبریز است

این اختلافات درسیاست است نه در دانش و فرهنگ و میان شهرها و کشورها در زمینه دانش و فرهنگ اختلافی نیست چنانکه اقبال لاهوری میگوید (۱)

نه افغانیم و نی ترک و تباریم      چمن زاریم و ازیک شاخساریم

تمیز رنگ و بویر ما حرام است      که ما پرورده یک نوبهاریم

جای دیگر اقبال لاهوری میان زبان اردو و فارسی مقایسه میکند:

گرچه اردو در عذوبت شکر است      طرز گفتار دری شیرین تر است

گوینده دیگر پاکستانی محمد ضیاء میگوید:

میسرایم گرچه در اردو سخن      هست فکر من رهین فارسی

وی در قطعه‌ای که در ازبکستان ساخته .

بشدد تاشکند و در سمرقند      بگفتار دری گویان دلم بند

بدیدم در بخارا همزبانی      سخن سنجان بهر سوئی که رانی

من وقتی زبان تاجیکی را از رادیو تاشکند شنیدم یاروزنامه شمارا خواندم و بامردم تاجیک در بخارا و سمرقند و تاشکند سخن گفتم میان زبان تاجیک با زبان فارسی اختلافی ندیدم تنها چنان بنظر میرسد که زبان شما از دوران رودکی که اورا میتوان پدر شعر فارسی یا دری یا تاجیک دانست تا کنون زبان دست نخورده مانده یا ساییده و نرم نشده و از همین رو برای گفتگو سخت تر و خشن تر از فارسی تهران است. با اینهمه زبان شما برای فارسی زبانان بهتر از لهجه‌های دیگر زبانهای فارسی یا ایرایی مانند تاتی و پامیری یا خوزی و بلوچ و کردی و گیلکی و ماندرانی فهمیده میشود.

اکنون چه در دهلی و لاهور و کابل و چه در تاشکند و چه در تهران و شیراز بهر جا ارزش زبان شیرین فارسی را باید درک کرد. گفتگو در بحث

لفظ نیست که آنرا دری یا فارسی یا تاجیکی بنامیم ما هنوز در اطراف تهران دره آب سرد دماوند و ورامین و شهریار مردمی می‌شناسیم که بخود تاجیک می‌گویند و این يك واژه قدیم است و شاید در نقاط دیگر هم باشد. همانطور که گفته شد تاجیک و تات یا دری و پارسی اگر اختلافی داشته باشند جزئی و در لهجه است و همانطور که صدرالدین عینی گفته اختلاف لهجه را نمیتوان جدائی زبان دانست.

یکی از زیان‌هایی که در هند متوجه زبان فارسی شد تقسیم استانهای هند به نسبت زبان در زمان جواهر لعل نهرو بود که اکنون هر نوآموز هندی باید چند زبان بیاموزد و برای زبان فارسی محلی نیست شاید این وضع در ازبکستان هم که گروهی بسیار فارسی‌زبان دارد بدین منوال است.

من میخواهم از این فرصت استفاده کرده بگویم نخست آنکه زبان امروز تاجیک در معرض هجوم واژه‌های زبانهای دیگر است و باید تا اندازه امکان اصالت زبان رودکی و عینی را نگهداشت چنانکه فارسی زبانان کوشش دارند زبان شیرین فارسی را از هجوم واژه‌های زبانهای اروپائی برکنار دارند. دوم خط نوین تاجیکی که تاکنون چندبار اصلاح شده نیاز با اصلاح دیگری دارد تا نوآموزان تاجیک از روی خط بهتر بتوانند شیرینی زبان و وزن شعر فارسی را درک کنند. من گمان میکنم این خط در تلفظ مصوت‌ها و امتداد آنها رسان نیست تغییر امتداد مصوت‌ها ایجاد لهجه میکند در صورتیکه خط آذربایجان شوروی برای ضبط اصوات و مصوت‌ها نسبت به خط تاجیکی دقیق‌تر و سادتر است و این خود گفتگوی دیگر است.